



# دومین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج فرهنگ و هنر ایران



۱۴۰۱/۱۰/۲۲

art.confnashr.ir

اصفهان

## تعامل تصویر و کلمه در نقاشی کوبیسم تا هنر مفهومی

الهه شمس نجف آبادی

دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان

Ela.shams@gmail.com

### چکیده

تصویر و کلمه را می‌توان از حیث ذهنی جدایی‌ناپذیر اما از نظر بصری از هم منفک دانست. جنبش‌های هنری از کوبیسم، فوتوریسم و سوررئالیسم تا جنبش هنر مفهومی و تحولات هنری در طول قرن بیستم با رویکردهای مختلف به این رابطه واکنش نشان داده‌اند. این مقاله به بررسی تعامل کلمه و تصویر در نقاشی کوبیسم تا هنر مفهومی می‌پردازد و به این سوال می‌پردازد که هنرمند کلمه را با چه هدفی در قاب تصویر وارد می‌کند؟

تکنیک کلاژ در نقاشی کوبیستی با استفاده از تکه‌های متنی از رسانه‌های نارایج به عنوان نوآوری‌ای اساسی در کاربری تصویر و کلمه به مخاطبان معرفی می‌شود. کلاژ ضمن گذر از قلمروهای بصری و کلامی، خصوصیات هر یک را نیز حفظ می‌کند. به واسطه این نوآوری، قرار دادن کلمات در قاب عکس به آسانی قرار دادن تصاویر در آن می‌شود و تقسیم بین کلمه و تصویر و یا نوشتار و نقاشی کم می‌شود. نقاشان کوبیست ضمن استفاده از کلمات به منظور قابلیت‌های فرمی، بینندگان را دعوت می‌کنند تا نقاشی را در چارچوب گفتمانی زبان تفسیر کنند. دادائیست‌ها نیز در ادامه کلمات را در قاب تصویر از هر گونه التزامی به معنا رهایی دادند. سوررئالیست‌ها نیز کلمات را بیش از سهم بصری‌شان به خاطر معنا در نقاشی به کار بردند. با این ایده، کار آنها بیشتر به تحقیق در مورد زبان کلامی و ارتباط آن با جهان و ذهن ناخودآگاه تبدیل شد. همان‌طور که ماگریت بیشتر از هر هنرمند سوررئالیست دیگری، رابطه کلمات را با تصاویر و چیزهایی که آنها مدعی نمایش آن هستند بررسی می‌کند و با تاکید بر نشانه زبانی، تأملی را در مورد ماهیت زبان و بازنمایی برمی‌انگیزاند. در هنر مفهومی نیز کلماتی که معرف یک ایده هستند؛ خود به اثر هنری تبدیل می‌شوند. همان‌طور که در جنبش مفهومی، هنر به سمت ایده‌ها تغییر جهت می‌دهد، این آثار به سمت کلمات و به عبارتی به سمت زبان تغییر جهت می‌دهند.

**کلمات کلیدی:** نقاشی، کوبیسم، دادائیسم، سوررئالیسم، هنر مفهومی، تصویر، کلمه.